

گی دو موپاسان

بل آمی

ترجمه‌ی
پرویز شهدی



موپاسان، گئی دو، ۱۸۵۰-۱۸۹۳ م. Maupassant, Guy de
بل آمی / گئی دو موپاسان؛ ترجمه پرویز شهدی. - تهران: مجید،
۱۳۸۳.

۴۴۰ ص.

ISBN 964-453-061-6

نهرستنوسی براساس اطلاعات فیبا.

Bel-aml

عنوان اصلی:

۱. داستانهای فرانسه - قرن ۱۹ م. الف. شهدی، پرویز،

۱۳۱۵ - ، مترجم. ب. عنوان.

۸۴۳ / ۸

۸ ب / PQ ۲۲۶۵

۱۳۸۳

۸۲۳-۲۷۶۶ م

کتابخانه ملی ایران



۶۴۹۵۷۱۳

۶۴۹۱۵۸۸

خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان لبافی نژاد، شماره ۲۰۸ تلفن:

بل آمی

گئی دو موپاسان

ترجمه: پرویز شهدی

چاپ اول: تهران، ۱۳۸۴ ه. ش.

۲۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: غزال

چاپ: چاپخانه نیل

Printed in Iran

همه حقوق محفوظ است.

شابک: ۶-۰۶۱-۴۵۳-۹۶۴

ISBN: 964-453-061-6

۴۰۰۰ تومان

پیشگفتار

ژان کوکتو، نویسنده، فیلسوف، شاعر، نقاش و سینماگر فرانسوی درباره‌ی یکی از نویسندگان فرانسه، ریمون رادیکه که در بیست‌سالگی مرد و دو اثر بیشتر از خود باقی نگذاشت، جمله‌ی پرمعنی و زیبایی دارد: «رادیکه در شصت‌سالگی به دنیا آمد و در بیست‌سالگی مرد.» بعضی از آدم‌ها این چنین بوده‌اند، پخته و دانا، در میان‌سال‌ی به دنیا آمده‌اند، ولی در جوانی مرده‌اند، عقل‌شان، روح‌شان و احساس‌شان انگار سال‌ها زندگی کرده و تجربه آموخته است، ولی سال‌های زندگی‌شان، آن‌چه به آن عمر می‌گویند، کوتاه بوده است و اندک.

موپاسان در ۱۸۵۰ به دنیا آمد و در ۱۸۹۳ مرد. فقط ۴۳ سال زندگی کرد. اواخر عمر گرفتاری‌های روانی فراوانی داشت، تا آنجا که کارش به جنون کشید، و از شدت این بیماری مرد. در بیست‌سالگی در جنگ ۱۸۷۰، میان فرانسه و آلمان شرکت کرد، در آن موقع دانشجوی حقوق بود، پس از جنگ به استخدام وزارت دریاداری و بعد آموزش و پرورش درآمد. در ایام فراغت نویسندگی می‌کرد. مگر چند سال وقت در پیش داشت که در ایام فراغت، کتاب‌ها و داستان‌های کوتاهش را بنویسد؟ بسیاری از تحلیل‌گران و منتقدان معتقدند ده سال. بین سال‌های ۱۸۸۰ تا ۱۸۹۰، چون پس از آن بیمار بود و پیش از آن، در کار فراگیری و آموختن در مکتب بزرگانی چون فلوبر، دوده، گنکور، زولا... با این همه چگونه است که توانسته در این مدت اندک و ناچیز هشت رمان، هجده مجموعه‌ی داستان، سه سفرنامه، سه نمایشنامه، و یک مجموعه‌ی شعر بنویسد؟ آن هم نه هر رمانی، نه هر داستان کوتاهی، و نه هر نمایشنامه‌ای. رمان‌ها و داستان‌های کوتاهی که جاودانه شده‌اند، جزو آثار برجسته‌ی ادب نه تنها فرانسه، بلکه دنیا درآمده‌اند، تا آنجا که بسیاری از نویست‌های بزرگ

دنیا از او درس گرفته‌اند، چخوف، همینگوی، کافکا... و بسیاری دیگر.

شهاب عمرش کوتاه بود، ولی درخشندگی خیره‌کننده‌ای داشت.

موپاسان یکی دوسال پیش از این‌که بالزاک بمیرد به دنیا آمد، ولی مکتب حقیقت‌گرایی او را پی گرفت. آلفونس دوده هم مثل او داستان کوتاه می‌نوشت، داستان‌هایی سخت آموزنده و جذاب، ولی موپاسان از قماش دیگری است. شناختی که موپاسان از زوایای تاریک روح انسان دارد، از فراز و فرودهایش، از صفات متعالی و غرایز پستش، از بغض‌ها، کینه‌ها، حسادت‌ها، حرص و آزها، پای‌بند نبودنش به اصول اخلاقی و موازین انسانی، آدم را به شگفتی وامی‌دارد. این جوان کم‌سن و سال شهرستانی، کی فرصت یافته است این همه چیزها را بیاموزد؟ گیریم فن نگارش و سبک‌شناسی را از استادانی چون فلوربر یاد گرفته باشد، درست، ولی این جوشش پایان‌ناپذیر داستان‌ها و ماجراهایی که یکی از دیگری اعجاب‌انگیزتر است از کجا آمده؟ هریک از صدها داستان کوتاه موپاسان، خود رمان بزرگی است که اگر نویسنده وقتش را می‌داشت و پای‌بند ایجاز و اختصار نبود، می‌توانست رمان بزرگی شود در ردیف رمان‌های جاودانه‌ی بالزاک: تپلی، فرار، مادموازل فی‌فی، ایوت... از چنان شکوه و غنایی برخوردارند که خواننده حیرت‌زده می‌ماند نویسنده چگونه توانسته است این همه مطلب را در صفحاتی چنین اندک جا دهد؟

بل‌آمی اوج درخشندگی و شکوفایی هنر داستان‌نویسی موپاسان است. از آن داستان‌هایی که مثل مادام بوواری، مثل جنایت و مکافات، مثل جنگ و صلح هیچ‌گاه کهنه نمی‌شوند. قهرمان داستان درعین حال آدم زبردست و هفت‌خط و خالی نیست که بگوئیم مایه‌ی این نابکاری‌ها را در وجودش داشته است، جوان روستایی ساده و بی‌دست و پایی است که از همه‌ی دارایی دنیا، فقط جوانی دارد و زیبایی. ولی خیلی کسان دیگر هم جوانی و زیبایی دارند و زندگی مرارت‌باری را مثل او می‌گذرانند، کارمندان دون‌پایه‌ای در اداره‌ای می‌شوند، حقوق‌بگیرهای ناچیزی که تا آخر عمر در تاروپود زندگی فلاکت‌باری میان زن و بچه‌ها دست‌وپا می‌زنند. ناچیز به دنیا می‌آیند و ناچیز می‌روند. موپاسان می‌خواهد ثابت کند که بذریه‌ی، اگر محیط رشد و نمو مساعدی پیدا کند، بارور می‌شود و دنیایی را به آتش می‌کشد. مگر همین سرخ‌و‌خه‌ی ناچیز آلمانی، با دنیایی عقده‌ها و امیال سرکوفته نبود که چون در محیط مناسب قرار گرفت، دنیا را به آتش و خون کشید؟ از این‌گونه آدم‌ها متأسفانه در تاریخ

بشریت کم نبوده‌اند. بل آمی هم می‌توانست به همان راه هزارها و میلیون‌ها افراد همسان خود برود، دست‌بالا این‌که گوش دختری روسپی را ببرد، یا پیرزن ثروتمندی را به تور بزند یا دزد یا جنایتکاری ازکار درآید. ولی این‌که پله‌های اجتماع را یکی به یکی بالا رود تا در مدتی پس کوتاه به اوج برسد، شگفت‌انگیز است. یکی از شخصیت‌های داستان درباره‌ی او می‌گوید: «آینده از آن این مرد است، روزی می‌تواند وکیل و وزیر شود.»

بین منجلاب فقر و زندگی محقرانه تا آخر عمر سرکردن و ثروت و عنوان اشرافی و پست وکیل و وزیر به دست آوردن، فاصله‌ی کوچکی است، یک پله، یک جرقه، برخوردی ناچیز. همین‌طور هم می‌شود. موپاسان چنان به سادگی و درعین حال استواری انکارناپذیری، این جرقه، این برخورد کوچک را ابداع می‌کند که آدم انگشت به دهان می‌ماند. پس از آن دیگر جرقه زده شده است. بذر در محیط مساعدی قرار گرفته، به سرعت شاخ و برگ می‌دهد، پروبال باز می‌کند، رندی‌ها، دوز و کلک‌زدن‌ها و دسیسه‌چینی‌ها را می‌آموزد، پله‌ها را یکی به یکی و با سرعتی گیج‌کننده بالا می‌رود. آنچه در او مهم است، این است که برای رسیدن به هدف هر راه و وسیله‌ای را مجاز می‌داند، پیرو شعار: «هدف وسیله را توجیه می‌کند» است. موپاسان به تخیل چنان لباسی از حقیقت می‌پوشاند که جای هیچ تردیدی در واقعی بودن داستان و حوادث آن و شخصیت‌هایش باقی نمی‌گذارد. خواننده احساس نمی‌کند دارد یک رمان می‌خواند، بلکه انگار صفحه‌ی حوادث روزنامه‌ای را باز کرده و ماجرای را که ظرف مدتی کوتاه بر تنی چند از افراد جامعه گذشته مرور می‌کند.

همین چیزهاست که هنر موپاسان و قدرت خلاقه‌اش را جاودانه می‌کند و در رأس آن داستان بل‌آمی مثل گوهری تابناک می‌درخشد.

بل‌آمی سال‌ها پیش (دقیقاً سی و پنج سال) توسط مرحوم علی‌اصغر سروش ترجمه و به صورت کتاب جیبی منتشر شد. اگرچه در امانت‌داری مترجم مرحوم جای تردیدی نیست، ولی از یک طرف زبان ترجمه کهنه شده (موضوعی که کاملاً طبیعی است و در مورد هر کتاب و هر مترجمی می‌تواند صادق باشد)، و از طرف دیگر کتاب با قطع ناچیز جیبی، روی کاغذی بس آسیب‌پذیر یک‌بار چاپ شد و بعد به دست فراموشی سپرده شد، حال آن‌که واقعاً حیف است چنین شاهکاری برای عده‌ی معدودی به سن و سال حقیر شناخته شده باشد و برای فوج عظیمی از جوانان

پوینده، گمنام و ناشناخته بماند.

نمی‌دانم این برداشت من از ترجمه‌ی مجدد این کتاب درست بوده است یا نه،
قضاوتش به عهده‌ی کسانی که از این پس بل‌آمی را می‌خوانند.

در گذشته بسیاری از داستان‌های کوتاه موپاسان و تعدادی از رمان‌هایش از سوی
مترجمان برجسته به فارسی ترجمه شده است و هنوز هم این کار ادامه دارد.

به این امید که ترجمه‌ی حقیر سیر و سلوکی باشد برای جوانانی که تشنه‌ی
دانستند.

بسیاری از داستان‌های موپاسان روی پرده‌ی سینما رفته است، از جمله: یک
زندگی، بل‌آمی، تپلی و غیره...

پ. ش